حضرت فاطمه علیهاالسلام بلد طیبه است

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین انصاریان

سخن راندن از شخصیت والا و ارزشمند دخت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و همسر امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و مادر امامان شیعه علیهم‌السلام از قبیل امور سهل و ممتنع است. آسان است؛ چون ایشان از ستارگان درخشان آسمان رسالت و ولایت است و مشکل است و سخت؛ چون کشف و هویدا ساختن زوایای پنهان این شخصیت جز با استمداد از آموزه‌های دینی امکان‌پذیر نیست و در نهایت، تنها بخشی از ویژگی‌های این دردانه هستی قابل دست‌یابی است. این مطلب بخشی از سخنرانی استاد انصاریان است که کوشیده با تکیه بر کلام وحی، گوشه‌ای از جایگاه و مقام رفیع حضرت زهرا علیهاالسلام را نمایان سازد. استاد نخست در چند مقدمه ذهن مخاطب را آمده ساخته و سپس به نقطه مورد نظر سوق می‌دهد.

آیاتی که انسان از روی صفحه کاغذ یا از صفحه ذهنش، بر زبان جاری می‌کند: ﴿ذلِکَ الْکِتابُ لارَیْبَ فِیهِ﴾.(بقره:۱)

همان وقتی که داریم یک خطبه را، یک صفحه کاغذ را و یک ﴿ذلِکَ الْکِتَابُ لَارَیْبَ فِیهِ﴾ را بر زبان جاری می‌کنیم؛ یعنی آیه را تلفّظ می‌نماییم و آن را می‌خوانیم. در این‌جا، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، به خوانندگان قرآن، یک سفارش بسیار بسیار مهم دارد که خوانندگان قرآن، باید این سفارش پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را حتماً عمل کنند. آن سفارش این است که شما باید هنگام خواندن قرآن، (طهروا افواهکم) (مستدرک نوری،ج۱، ص۳۶۸): با دهان و زبان پاک، قرآن را بخوانید. با دهان یهودی‌مسلک، با زبان مسیحی‌مسلک، با زبان لائیک‌مسلک، با زبان آلوده به حرام، با دهان آلوده به گفته‌های باطل، یاوه، سب، ناسزا و فحش، قرآن را نخوانید. این قرآن، دارای پاک‌ترین آیات، پاک‌ترین کتاب و پاک‌ترین حکمت است که باید در دهان‌های پاک جاری بشود؛ یعنی اگر کسی بخواهد قاری مورد قبول خدا باشد، همیشه پاک می‌ماند؛ دهانش، زبانش، بدنش، جسمش، پوستش و گوشش. قرآن کریم، حریم علم پروردگار است. ورود به این حریم، باید با پاکی انجام بگیرد: ﴿لایَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾. (واقعه:۷۹) برخی از مفسران می‌گویند: فعل: (لایَمَسُّهُ)، معنای امری دارد؛ یعنی کسی که پاک نیست، حق ندارد با قرآن تماس بگیرد؛ لذا دیده می‌شود، حضرت زهرا علیهاالسلام بعد از مرگ پیغمبر، یکبار هم، نه هنگام باز بودن پنجره و نه با باز کردن پنجره، اگر بسته بود، نخواسته که صدای اذان‌گویان حکومت زمان خودش را بشنود؛ مستمع نشد.

ما یک استماع داریم و یک سماع. یک وقت، صدا به گوش می‌خورد؛ ولی آدم اصلاً توجّهی به آن صدا ندارد. حتّی به صدای الفاظ هم متوجّه نیست تا چه برسد به معانی‌آن‌ها.

صبح، ظهر و شب، کنار مسجد پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که خانه حضرت زهرا علیهاالسلام در آن‌جا بود، اذان می‌گفتند و ایشان نمی‌شنید؛ چون نمی‌خواست بشنود. در این نود و پنج روز، فقط یکبار به‌درخواست خودش، بلال اذان گفت که آن هم نیمه‌کاره ماند؛ چون این زبان، این گلو و این بدن و این روح را صد در صد پاک می‌دانست. او می‌گفت: (الله‌اکبر) از این گلو و زبان، شنیدنی است؛ ولی نسبت به بقیه (الله‌اکبرها) باید درِ گوش را گرفت و نباید شنید: زیبقم (زیبق؛ یعنی سیماب (فلزی مایع)، جیوه) در گوش کن تا نشنوم یا درم بگشای تا بیرون روم(سعدی). وقتی ابلیس به عیسی‌بن مریم علیهماالسلام گفت: یک (لا اله الا الله) بگو. گفت: نمی‌گویم! گفت: مگر این شعار توحید نیست؟ گفت: چرا؟ گفت: پس چرا نمی‌گویی؟! عیسی علیه‌السلام گفت: برای اینکه تو می‌گویی، من نمی‌گویم؛ چون گفتار تو و درخواست تو، توأم با آلودگی است و هدف ناشایستی از آن داری که وقتی به من می‌گویی آن را بگو، من نمی‌گویم؛ آن(لااله‌الاّالله)ای که تو می‌گویی، با هر آلودگی‌ای می‌سازد و این (لااله‌الله)ای که ما می‌گوییم، با هر پاکی‌ای می‌سازد. اینکه چه کسی آن را اظهار می‌نماید، فرق می‌کند.(احیاءالعلوم غزالی، ج۸، ص۵۳) به هر حال، این وجود دوم است. پس یک وجود قرآن، وجود کتبی آن است و یک وجود دیگر آن، وجود لفظی.

ج. وجود ذهنی

امّا وجود سوم قرآن، وجود ذهنی است. حفظ قرآن، گاهی با یک قرآن روی کاغذ است و گاهی با یک قرآن بر روی زبان و گاهی هم با یک قرآن در حافظه است. آن قرآن هم قرآن است؛ ولی وجود ذهنی قرآن.

وجود چهارم کتاب خدا، وجود عینی آن است.(عین)؛ یعنی وجود حقیقی؛ به‌عبارت دیگر؛ یعنی وجودی که همه آثار شیء، از این وجود ظهور می‌کند.

د. وجود عینی

حالا این پرسش مطرح می‌شود که وجود عینی قرآن، کدامیک از این قرآن‌های گفته‌شده است.

این قرآن‌هایی که آن را تلاوت می‌کنیم، قرآن کتبی است. قرآن‌های موجود در ذهن حافظان هم که وجود ذهنی آن است. قرآنی نیز که بر روی زبان جاری می‌شود، قرآن لفظی است. پس آن قرآن عینی کدام است؟

• ۳. قرآن عینی و حقیقی فقط در وجود انسان کامل است!

وجود مقدّس حضرت زهرا علیهاالسلام، بلد طیّب است؛ کسی که در این بلد طیّب دانه پاشید، پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. دیگر باغبانی، مانند او نیست. یک انسان کامل آمد دانه‌های قرآن را آیات توحید، علم، معرفت، اصالت، شرافت، اخلاق و عمل صالح را در این زمین پاشید. او فقط این دانه‌ها را پاشید. باغبان این دانه‌ها، ربّ فاطمه علیهاالسلام بود. خداوند متعال با جلوه ربوبیتش، تمام کاشته‌های پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را از این سرزمین بیرون آورد.

قرآن عینی و قرآن حقیقی را فقط باید در وجود انسان کامل ببینید. ما یک مقدار قرآن حفظ هستیم و قاری قرآن هم می‌باشیم و چند جور هم قرآن چاپی در خانه‌هایمان داریم؛ اما ما قرآن عینی نیستیم. قرآن عینی فقط در وجود انسان کامل قابل مشاهده است؛ یعنی آن انسانی که از ابتدای ورود به تکلیف یا بندگی خدا تا لحظه خروج از دنیا، در ایمان، اخلاق و عمل از نظر قرآن کم نداشت. این سخن، تعریف قرآن عینی است.

ارزش این قرآن عینی، برای کسی قابل درک نیست؛ علتش هم این است که عقل‌های ما محدود بوده و دنیا هم محدود است. ما اگر بخواهیم چیزی را عظیم‌تر از این دنیا ببینیم، این‌جا نمی‌توانیم آن را ببینیم؛ چون این‌جا گنجایش آن را ندارد و ما را باید در یک عالم دیگری ببرند که در آن عالم، حقیقت انسان کامل قابل ظهور باشد و بعد به اولین و آخرین انسان‌ها بگویند: اگر می‌خواهی آن انسان کاملی را ببینی که مصداق عینی قرآن بوده، الآن آن برای تو قابل دیدن؛ آن هم نه با چشم سر؛ بلکه با چشم عقلی که به عین‌الله وصل است؛ چون اگر آن چشم قلب هم، وصل به چشم خدا نباشد، آن انسان کامل هم، با کمالاتش برای تو قابل مشاهده و قابل دیدن نخواهد بود.

• ۴. فاطمه علیهاالسلام از مصادیق واقعی آیات قرآن

حالا ما باید برای درک این وجود عینی، به سراغ یک انسان کامل یا به‌تعبیری، قرآن عینی و مصداقی برویم. من برای شما چند آیه قرائت می‌کنم و بعد طبق خود قرآن و روایات، دنبال مصداق این آیات می‌گردم. خیلی راحت هم این مصداق، قابل پیدا کردن است؛ چراکه تاریخ اسلام از زمان بعثت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تا الآن که ما این‌جا نشسته‌ایم، تقریباً به‌صورت روشن در اختیار ماست و ما در کلّ امت، یکی از انسان‌های کاملی را که می‌توانیم بگوییم، از مصادیق واقعی آیات قرآن است، حضرت فاطمه علیهاالسلام است. در این بخش هم، قرآن فقط یک مصداق دارد و دو تا مصداق ندارد. شما هیچ دلیلی را هم نمی‌توانید پیدا کنید که در این بخش خاص، قرآن دو مصداق داشته باشد. در این بخش، یک انسان کامل، بیش‌تر وجود ندارد و بقیه انسان‌ها مادون این انسان و زیرمجموعه او در کمالات و فضایل هستند و آن، وجود مبارک فاطمه زهرا علیهاالسلام است که در بین زنان جهانیان، تنها انسان کاملی که مصداق آیات قرآن می‌باشد، اوست. مریم کبری علیهاالسلام، خدیجه کبری علیهاالسلام، زینب کبری علیهاالسلام و هر زنی که در دایره انسان کامل بودن می‌باشد، ما دون ایشان است و او مصداق اتم، اجمع و اکمل مجموعه آیات قرآن مجید در جنس زنان بوده و دومی و هم‌وزن دیگری ندارد.

این مطالبی که می‌گویم، دلیل قرآنی همراه آن است، نه اینکه به‌عنوان یک روحانی شیعه، برای مستمع شیعه، عظمتی را بسازم و القا بکنم. عظمت‌سازی بدون دلیل قرآنی و روایی، کار نادرستی است. لطف مسأله به این است که ما از چهارچوب قرآن و روایات برای معرفی این عزیزان بیرون نرفته و از خودمان چیزی را نسازیم؛ چون اگر از چهارچوب قرآن و روایات، آن‌ها را به کنار ببریم، درباره آن‌ها یا دچار افراط می‌شویم یا دچار تفریط؛ چنان‌که آن‌هایی که دچار تفریط شدند، صدیقه طاهره علیهاالسلام را تا جایی پایین آورده‌اند که در حقّ او فقط می‌گویند: حضرت زهرا علیهاالسلام زنی بزرگوار، همسرِ علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام و انسانی پاک است و قابل این است که الگو باشد. این‌ها در جاده تفریطند و آن‌هایی که مقام‌سازی می‌کنند، آن هم مقام الوهیت و ربوبیت برای آن‌حضرت، آنان نیز در جاده افراطند؛ چراکه قرآن می‌گوید: ﴿لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ.﴾ (شوری:۱۱): هیچ چیزی در این عالم، در هیچ چیزی، مانند خدا نیست.

بنابراین، بهترین راه شناخت، آیات قرآن و روایاتند که نه افراط دارند و نه تفریط. قرآن کلام عدل است؛ قرآن کلام حق است؛ البته آیاتی که مصداق اتم و اکملش این انسان کامل در جنس زنان است، کم نیست. من برای نمونه چند آیه آن را می‌خوانم. شاید هم بعضی از این آیات برای‌تان تازگی داشته باشد. فکر نکنید که می‌خواهم به سراغ آیه تطهیر و آیه مباهله و آیات سوره دهر بروم که این آیات را صدها بار شنیده‌اید. آنها در جای خودش معلوم و روشن است؛ بلکه باید درباره این آیه که می‌گویم و آثارش، دقت کنید.

• ۵. فاطمه علیهاالسلام بلد طیّبه است

یک کاری که خداوند متعال برای نزدیک کردن حقایق به ذهن مخاطبش در قرآن کرد، مثل زدن است. در همه زمینه‌ها، زمینه‌های علمی، طبیعی، فلسفی، عرفانی، انسانی و اخلاقی، خداوند مثل زده است. این مثل‌ها در قرآن مجید هست: ﴿وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ﴾(حشر:۲۱): ما این مثل‌ها را برای شناخت شما می‌زنیم تا شما را به حقیقت نزدیک کنیم و شما راحت‌تر با مَثَل به عمق حقیقت برسید.

ببینید این آیه چه می‌گوید: ﴿وَالْبَلَدُ الطَّیِّبُ ...﴾ (اعراف:۵۸) نمی‌گوید: (وَالْبَلَدُ). سرزمین خالی را نمی‌گوید؛ بلکه سرزمین را مقیّد به کلمه طیّب می‌کند. حالا شما همین لغت طیّب را با مشتقاتش در قرآن بگیرید: ﴿وَالطَّیِّباتُ لِلطَّیِّبِینَ﴾(نور:۲۶)، ﴿أَذْهَبْتُمْ طَیِّباتِکُمْ﴾(احقاف:۲۰)، ﴿طِبْتُمْ﴾ (زمر:۷۳).

این لغت(طیّب) یعنی چه؟ یعنی پاکِ نابی که هیچ آلودگی با او گره ندارد؛ (طیب) مقابل (خبیث) است؛ چون در آیه بعد کلمه (خبیث) را آورده و رو در روی (طیّب) قرار داده است. این رو در رویی، در خیلی چیزها هست: نور و ظلمت، حق و باطل، ابلیس و خدا، حرام و حلال، حیات و مرگ. این‌ها همه با هم تقابل دارند. تقابل دارند؛ یعنی چه؟ یعنی اینکه هیچ‌کدام با یک‌دیگر هیچ نسبتی ندارند. طیّب یک داستانی دارد و خبیث هم یک داستانی دیگر؛ هم‌چنین نور یک داستانی دارد و ظلمت یک داستان دیگر. شما به‌اندازه یک سر سوزن ظلمت را در نور پیدا نمی‌کنی. یک سر سوزن نور را هم در ظلمت پیدا نخواهی کرد. اصلاً این دو تا با هم تقابل دارند؛ نه صفت ابلیس در خدا هست و نه صفت خدا در ابلیس.

﴿وَالْبَلَدُ الطَّیِّبُ﴾: زمین پاک، ﴿یَخْرُجُ نَباتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ﴾(اعراف:۵۸)، خیلی آیه عجیبی است. (طیّب)، (اذن رب)، (نبات)؛ یعنی تا دست خدا در بلد طیّب در کار نباشد، بلد طیّب آثاری را ظهور نمی‌دهد.

دست خدا وقتی در بلد طیّب بیاید، چه دستی است؟ دست قدرت، دست علم، دست رحمت، دست کرامت، دست احسان، دست فضل. این‌ها دست خداست.

﴿وَالْبَلَدُ الطَّیِّبُ یَخْرُجُ نَباتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ.﴾(اعراف:۵۸) درباره آیه باز دقت بفرمایید.(بلد) با قید (طیّب)، با قید (اذن رب) و (خروج و سر درآوردن آثار این بلد طیّب) است؛ ولی با دست‌اندرکار بودن دست خدا که همان دست صفات خداست.

وجود مقدّس حضرت زهرا علیهاالسلام، بلد طیّب است؛ کسی که در این بلد طیّب دانه پاشید، پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. دیگر باغبانی، مانند او نیست. یک انسان کامل آمد دانه‌های قرآن را، آیات توحید، علم، معرفت، اصالت، شرافت، اخلاق و عمل صالح را در این زمین پاشید. او فقط این دانه‌ها را پاشید. باغبان این دانه‌ها، ربّ فاطمه علیهاالسلام بود. خداوند متعال با جلوه ربوبیتش، تمام کاشته‌های پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را از این سرزمین بیرون آورد.

• نتیجه‌گیری

بنابراین زهرا علیهاالسلام را با این مقدمات به‌گونه‌ای باید تعریف کرد که جامع افراد و مانع اغیار باشد. حضرت زهراسها؟؛ یعنی انسانی که جامع تمام کمالات ملکی و ملکوتی و فاقد تمام عیب‌ها و نقص‌هاست. او مصداق عینی این آیه است. شما هرچه حقیقت معنوی در این عالم می‌بینید، از ایشان ظهور کرده و هرچه نعمت اخروی است، فردای قیامت در کنار ایشان بروز می‌کند.

برگرفته از کتاب نگاهی به مقام حضرت فاطمه/ تألیف استاد حسین انصاریان

• ۱. هر موجودی چهار وجود دارد

کسانی که در فلسفه الهی و در عرفان مثبت کار کرده و کارکشته شده‌اند و متخصّص فن شناخته شده‌اند، برای هر موجودی در این عالم، چهار وجود قائلند. آنان برای گفتار و مطلب خود در این بحث، فقط به یک حقیقت مثل می‌زنند و آن، کتاب خدا قرآن مجید است؛ البته آن‌ها بحث خود را به‌صورت کلی مطرح نموده و بیشتر آن‌ها هم مثالی را برای آن ذکر نکرده‌اند؛ چون فکر می‌کردند، چنین مسأله‌ای، برای همه مردم، مسأله روشن و واضحی باشد.

• ۲. چهار وجود برای قرآن مجید

قرآن مجید، دارای چهار وجود است؛ یعنی دارای چهار جلوه هستی می‌باشد.

الف. وجود کتبی

یک وجود قرآن، وجود کتبی قرآن است که عبارت می‌باشد از مجموعه سی جزء قرآن که با قلم بر صفحه نوشته می‌شود؛ همین قرآنی که به‌فرموده شیخ صدوق رحمه‌الله، بین دو جلد در سی جزء در صد و بیست حزب و در شش هزار و ششصد و چند آیه، در اختیار ماست. این قرآن، با قرآن زمان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یک نقطه هم اختلاف ندارد. ترتیب این قرآن، همان ترتیب زمان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشد. آیاتش هم بی‌کم و زیاد، آیات زمان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است. (ر.ک: شیخ صدوق، الاعتقادات)

در یک کلمه، اگر این‌گونه نبود، حجت خدا بر بندگانش کامل نبود و ناقص بود و خدا هم حجت ناقص ندارد. در همه چیز و در هر کجا، حجت پروردگار عالم، کامل، تمام و جامع است. برای اینکه به قول خود قرآن، تا فردای قیامت، کسی به خداوند نگوید: اگر راهنمایی کرده بودی و اگر گفته بودی، من عمل می‌کردم. از کجا معلوم می‌شود که من عمل نمی‌کردم. خود پروردگار می‌فرماید: من این هدایت را کامل و جامع فرستادم که روز قیامت کسی بر خدا حجت نداشته باشد: ﴿لِئَلَّا یَکُونَ لِلنَّاسِ عَلَی اللهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَکانَ اللهُ عَزِیزاً حَکِیماً﴾.(نساء: ۱۶۵) این وجود، وجود کتبی قرآن هست.

ب. وجود لفظی

وجود دوم قرآن، وجود لفظی است. وجود لفظی قرآن، عبارت است از

جهاد تبیین ام‌ابیها علیهاالسلام در وقایع پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدباقر پورامینی، مدیر گروه کلام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مقدمه اول: همه واقفیم حضرت زهرا علیهاالسلام نماد همه فضیلت‌هاست؛ چون پاره تن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است. ایشان در خلق و خوی و منش، شباهت تام با پدرشان داشتند. شخصی به‌نام ابوالقاسم طبرانی از محدثان قرن چهارم، چند مجموعه حدیثی دارد. در یکی از مجموعه‌ها، حدیثی را با این مضمون از عایشه نقل می‌کند که من بین افراد، کسی را با فضیلت‌تر از فاطمه علیهاالسلام جز پدرش ندیدم. این اقرار از فردی که طیف گسترده‌ای از اهل‌سنت تلاش‌شان این بود که او را به‌عنوان برترین زن معرفی کنند، یک اقرار قابل توجهی است.

• جاهلیت جنسیتی پیش از اسلام

مقدمه دوم: وقتی دوران بعثت و قرون منتهی به بعثت را نگاه می‌کنیم، چه در جزیرةالعرب و چه در مناطقی که ادعای تمدنی داشتند، یک جاهلیت جنسیتی را شاهد هستیم. در این جوامع، زن از پیکره اجتماع خارج بود. تنها حقی که برای زن قائل بودند، این بود که او را از شرایط مورد نیاز یک جامعه تلقی می‌کردند. همچنان که جامعه به مسکن نیاز دارد، به زن هم نیاز دارد. زن مثل اسیری تلقی می‌شد که باید از او استفاده کرد. معمولاً زن از حقوق عمومی که می‌توانست از آن سود ببرد، محروم می‌شد. اگر قرار بود، حقی برایش قائل شوند، حقی بود که نفعی هم برای مرد داشت.

مثلاً در ایران در عصر ساسانی، نگاه کالاانگارانه به زن داشتند و زن به‌راحتی خرید و فروش می‌شد.

وقتی شما این نگاه طفیلی را در آن عصر شاهدید، طبیعی است که می‌شود، این نگاه را در دو مدل به تصویر کشید. شهید مرتضی مطهری رحمه‌الله در حماسه حسینی، وقتی حماسه‌آفرینی زنان را مطرح می‌کنند، به‌همین مدل اشاره دارند. وضعیت اجتماعی زن در این دو مدل مطرح است؛ یک، زن بدون نقش اجتماعی و صرفاً یک شیء باارزش که هیچ نقشی در ساختن جامعه و تاریخ ندارد. در مدل دوم، زن دارای نقش است؛ ولی شیء بی‌ارزش است؛ یعنی زن می‌تواند عامل مؤثر در تاریخ باشد؛ ولی نه به‌عنوان یک شخص باارزش. نقش ایفا می‌کند؛ ولی به‌قیمت گسست بین حریم زن و مرد و دیگر خبری از آن گوهر گران‌بها نیست.

مدلی که اسلام ارائه کرد، این بود که زن نه باارزش و بدون نقش باشد و نه بانقش و بی‌ارزش؛ بلکه زن می‌تواند عفیف و باارزش باشد؛ در عین حال در متن زندگی هم باشد. زن می‌تواند در سنگر خانواده باشد و وظیفه تربیت فرزندان را ایفا کند و در عرصه اجتماعی و سیاسی هم، حضور برجسته‌ای داشته باشد. شهید مطهری رحمه‌الله از این مدل سوم تعبیر می‌کنند، به زن دارای نقش اجتماعی و شخص باارزش و در ادبیات رهبر معظم انقلاب، به‌عنوان الگوی سوم مطرح می‌شود.

• حضرت فاطمه علیهاالسلام، الگوی تراز برای همه زنان

با توجه به این دو مقدمه می‌خواهم عرض کنم، حضرت زهرا علیهاالسلام یک الگوی تراز برای همه زنان هستی است؛ نه فقط برای شیعیان و مسلمانان؛ بلکه برای هر کسی که دنبال یافتن هویت زنی است که هم بتواند، نقش‌آفرین باشد و هم جایگاه خودش را داشته باشد.

این زن الگو به‌خصوص در مقطع دوران ده‌ساله حیات پدر، در مدینه منوره نقش یک مبلغ دین را ایفا می‌کرد. در صف‌آرایی نمادین کفر و اسلام در قضیه مباهله حضور پیدا کرد. در عرصه ایثار و از خودگذشتگی، در منقبت ایشان سوره هل‌اتی نازل شد. در تجلیل از پیش‌کسوتان جهاد و فضیلت هم، نقش‌آفرینی می‌کرد و هر هفته دو روز به احد می‌رفت و حماسه‌های رزمندگان اسلام را روایت می‌کرد. در بحث دفاع از امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز، نقش جدی ایفا کرد، غیر از ایراد خطبه و دیدار با زنان در مدینه.

راوی نقل می‌کند که حضرت کنار قبر شهدای احد گریه می‌کرد. به ایشان عرض کردم، آیا از پدرتان درباره جریان خلافت سفارشی دارید یا ندارید؟ ببینید چه تبلیغات غیرمنصفانه‌ای در روزهای بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اتفاق افتاد که بعضی‌ها مسئله خلافت را به‌راحتی فراموش کردند و گفتمانی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در ۲۳ سال مطرح کردند، به‌راحتی فراموش شد. حضرت در پاسخ گفتند: آیا غدیر خم را فراموش کردید؟ راوی گفت: نه؛ ولی چرا علی علیه‌السلام از حقش دفاع نکرد؟ در آن هنگام حضرت فرمود: مثل علی علیه‌السلام مثل کعبه است که باید مردم به سوی او بیایند.

اوج حضور اجتماعی ایشان به‌عنوان الگوی تراز در همان روزها و هفته‌های بعد از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اتفاق افتاد. حضرت در میدان تبیین نقش قوی داشتند و در قامت یک مرد قدرتمند حضور پیدا کردند. در فضایی که همه خفته و به‌عمد خودشان را به خواب زده بودند، فریادی زدند که فضای عمومی حاکم شکسته شد و به‌صورت شفاف و بدون هیچ ملاحظه وارد میدان شدند و در قامت یک مدافع حریم امامت، در برابر جریان غاصب ایستادند.

منبع: نشست علمی جهاد تبیین در حیات سیاسی حضرت زهرا علیهاالسلام، که در ساختمان علمی فرهنگی آستان قدس رضوی برگزار شد.